

قانون حاکم بر دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در حقوق اتحادیه اروپا و ایران

سید مجید میرحسینی
فرسیما خامسی پور**

چکیده

یکی از جنبه‌های مجهول حقوق بین‌الملل خصوصی محیط‌زیست، تعیین قانون حاکم بر جبران خسارات زیست‌محیطی است. در این‌گونه دعاوی مسئولیت مدنی، غالباً علاوه بر تخریب منابع، صدمات مالی یا جانی وارد شده به اشخاص نیز طرح می‌شود و همین تعدد زیان، پیچیدگی‌های موضوع را افزایش می‌دهد. ضمن آنکه، به دلیل گسترش دعاوی منابع طبیعی در کشورهای هم‌جوار، در بیشتر دعاوی جبران خسارات، وجود حداقل یک عامل خارجی مفروض است و همین دو یا چندگانگی، دادگاه‌ها را در تمیز قانون ماهوی حاکم بر دعوا دچار مشکل می‌کند. برای حل این مشکل، نخستین بار، در سال ۲۰۰۷ میلادی، در حقوق اتحادیه اروپا در ماده هفت مقررات متحدالشکلی موسوم به روم دو، قاعده حل تعارض یکپارچه‌ای وضع شد که به موجب آن، با تعیین یک عامل جایگزین ارتباط، زیان‌دیده در انتخاب و تعیین قانون صلاحیت‌دار ابتکار عمل محدودی داشته و در شبه‌جرم‌های فراسرزمینی، بین دو قانون محل زیان و محل فعل زیان‌بار امکان انتخاب دارد. در حقوق ایران موضوع به کلی مسکوت است. اما با تشریح مبانی حقوقی و اقتصادی قاعده اروپایی حل تعارض و تطبیق مبنایی آن با حقوق داخلی، نه تنها می‌توان این آزادی عمل را برای دادگاه‌ها تجویز کرد، بلکه با تقویت آن می‌توان طیف وسیع و جامع‌تری از قوانین ماهوی را پیش روی دادگاه‌ها نهاد تا با انتخاب آن، به نحو کامل‌تری خسارات زیست‌محیطی وارد در گذشته را جبران و از خسارات احتمالی در آینده پیشگیری کند.

واژگان کلیدی

حقوق محیط‌زیست، تعارض قوانین، مقررات روم دو، مسئولیت مدنی

استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، گروه حقوق، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
Email: Futur1359@yahoo.com
**دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، اصفهان، ایران
Email: Farsima.Khamesipour@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۲۴

تاریخ ارسال: ۹۳/۱/۱۶

فصلنامه راهبرد/سال بیست و سوم/شماره ۷۳/ زمستان ۱۳۹۳/صص ۹۲-۷۳

جستارگشایی

تنوع و تکرار فوق العاده و روزافزون دعاوی مسئولیت مدنی بر هیچ کس پوشیده نیست؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت در حال حاضر مسئولیت مدنی و چهره‌های نوین آن، در تقابل با مسئولیت‌های قراردادی، وجه غالب به خود گرفته و آن را به حاشیه رانده است. خلق و ایجاد قالب‌های خاص مسئولیت مدنی همانند مسئولیت‌های ناشی از نقض مالکیت معنوی، تخریب محیط زیست، عیب تولید، رقابت غیرمنصفانه، ایجاد محدودیت در رقابت و ...، افزایش اختلافات فراملی به دلیل افزایش حجم مبادلات و روابط بین‌المللی، توسعه رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی جهانی و ... از جمله دلایل بارزی است که بر اساس آنها می‌توان گفت قرن بیست و یکم، قرن شکوفایی مسئولیت مدنی است و دقیقاً با توجه به همین ملاحظات است که شورا و پارلمان اروپا مجموعه مقررات متحدالشکلی به نام مقررات روم دو^۱، را در سال ۲۰۰۷ میلادی به تصویب رساندند. این مقررات از سال ۲۰۰۹ میلادی به صورت یکپارچه و با قابلیت اجرایی عام و مستقیم، در حقوق داخلی تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا (جز دانمارک) لازم‌الاجرا شد. این مقررات بدون نیاز به تصویب در مراجع قانون گذاری ملی، در قلمرو تحت شمول خود جایگزین قواعد حل تعارض داخلی کشورهای عضو اتحادیه شد. در روم دو به قواعد شکلی مربوط به نحوه تعیین قانون حاکم بر الزامات خارج از قرارداد توجه شد و در قالب قاعده ای کلی (قاعده حاکمیت قانون محل زیان)^۲ و تعدادی قواعد خاص حل تعارض^۳ به تصویب رسید.

به موجب بند نوزدهم دیباچه مقررات روم دو، قواعد خاص حل تعارض می‌بایست در اقسامی خاص از دعاوی مسئولیت مدنی به کار گرفته شود که در آنها اعمال قاعده کلی حل تعارض به شرح مندرج در بندهای سه‌گانه ماده چهار، متضمن نتایج معقول و تعادل و توازن منطقی میان منافع دو طرف دعوا نباشد. به همین دلیل نیز در روم دو، الزامات خارج از قرارداد، به‌عنوان یک دسته کلی ارتباط فرض شده که در درون خود، دسته‌های کوچک‌تر ارتباط را نیز جای داده است. دسته‌های کوچک‌تری که تنوع و اقتضائات متفاوت هر یک از آنها با دیگری باعث شده است اعمال قاعده کلی حاکمیت قانون محل زیان در همه آنها نتایج رضایت بخشی در پی نداشته باشد و دقیقاً همین امر و همچنین اهداف و مبانی کاملاً متفاوتی که در هر یک از این زیرشاخه‌ها دنبال می‌شود، واضعان روم دو را بر آن داشته است که برخی از مهم‌ترین

1. Rome II Regulation
2. Lex loci damni
3. Specific Conflict Rules

جلوه‌های مسئولیت مدنی را از قاعده کلی مستثنا و برای هرکدام از آنها قاعده ویژه‌ای وضع کنند. بر این اساس در این سند مسئولیت نشئت گرفته از نقض موازین زیست محیطی و تخریب محیط زیست نیز به عنوان یکی از جلوه‌های خاص مسئولیت مدنی، از قاعده کلی مندرج در ماده چهار، استثنا و برای آن قاعده خاصی وضع شده است که در ماده هفت روم دو شاهد آن هستیم. قطعاً مطالعه و استخراج ضعف و قوت‌های این قواعد زنگ هشدار است برای قانون گذاران خفته و تابلویی بدیع در مقابل حقوقدانان داخلی که درصددند با بهره‌گیری از آموزه‌های مقررات روم دو، به عنوان جدیدترین قواعد طرح شده در زمینه حل تعارض، آن آموزه‌ها را با مبانی حقوق داخلی در هم آمیزند و نقشی نو پیش روی دادگاه‌ها دراندازند.

از این رو در این نوشتار، ابتدا قواعد تعیین قانون حاکم بر مسئولیت نشئت گرفته از خسارات زیست محیطی در مقررات روم دو و نیز جدیدترین تحولات صورت گرفته در آن با رویکرد تطبیقی، مورد مطالعه قرار گرفته و سپس به بررسی مبانی مربوطه پرداخته و در نهایت با بهره‌گیری از ثمرات این نوشتار، بحث یادشده در چارچوب حقوق داخلی ایران و در مقایسه با مقررات روم دو تبیین شده است.

۱. تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی نشئت گرفته از خسارات زیست محیطی در مقررات روم دو

۱-۱. تبیین قاعده حل تعارض

هر اقدامی به منظور یکسان سازی و متحدالشکل کردن قوانین و مقررات بین‌المللی، در قلمرو مسئولیت‌های نشئت گرفته از خسارت زیست محیطی اهمیتی دوچندان دارد؛ چرا که دامنه خسارات در اینجا به طور معمول فراملی و آثار و پیامدهای تخریب محیط زیست، جهانی است. با وجود این، اسناد بین‌المللی موجود در این زمینه غالباً ناظر بر یکسان سازی و متحدالشکل کردن قوانین ماهوی کشورها یا تعریف و تحدید صلاحیت‌های قضایی در مراجع بین‌المللی است^(۱) (جلالی، ۱۳۸۸، ص ۸۵) و به جرأت می‌توان گفت هیچ تلاش منسجم و نتیجه‌بخشی تاکنون در زمینه ایجاد قواعد متحدالشکل در حل تعارض قوانین، در عرصه حقوق بین‌المللی محیط زیست به عمل نیامده و معدود اقداماتی هم که در این زمینه در حقوق اروپایی انجام گرفته، به اقسام مشخص و محدودی از خسارات زیست محیطی معطوف است^(۲). ضمن اینکه به رغم همه این تلاش‌ها در خصوص قوانین ماهوی نیز همچنان اختلافات زیادی به چشم می‌خورد؛ مرور زمان، قواعد جبران، بیمه و همچنین میزان خسارت جبران‌پذیر از جمله

مؤلفه‌هایی است که تاکنون در میان قوانین داخلی کشورهای مختلف دنیا در زمینه حقوق محیط زیست، رویکرد واحد و اجماعی در خصوص آنها ایجاد نشده و بنابراین اهمیت ایجاد و اجرای قواعد متحدالشکل حل تعارض در حقوق بین‌الملل خصوصی و به‌طور مشخص در این دسته ارتباط همچنان پابرجاست (Carbone, 2007, p. 22).

بر این اساس در مقررات روم دو درباره نحوه تعیین قانون صلاحیت دار وضع قاعده شده است. قاعده‌ای که بر مبنای آن «قانون قابل اعمال بر الزامات خارج از قرارداد ناشی از خسارات زیست‌محیطی و یا خسارات مالی و جانی وارد بر اشخاص در اثر خسارت زیست‌محیطی، قانونی خواهد بود که به موجب قاعده مذکور در بند یک ماده چهار تعیین می‌گردد (قاعده حاکمیت قانون محل زیان)، مگر آنکه شخصی که جهت جبران زیان اقدام به طرح دعوا نموده است، قانون کشوری را برگزیند که واقعه منتهی به زیان در آن واقع گردیده است»^(۳).

قاعده اصلی، حاکمیت قانون محل زیان و تنها استثنای آن، اعمال قانون محل وقوع فعل زیان‌بار، در شبه‌جرم‌های فراسرزمینی (دعاوی که در آن فعل زیان‌بار در یک کشور و خود زیان در کشور دیگر واقع می‌شود)^۴ آن هم صرفاً به درخواست خواهان دعواست. در توجیه این قاعده (حاکمیت قانون محل زیان) گفته می‌شود نظر به گرایش‌های جدید در حقوق محیط‌زیست مبنی بر اتخاذ رویکردهای حمایتی و جلوگیری از تخریب محیط، از میان مبانی نظری مسئولیت مدنی نیز باید مبنایی را برگزید که متضمن بیشترین حمایت از زیان دیدگان و کمترین ارفاق به عاملان‌عاملان زیان است. از همین رو، از مدت‌ها پیش از این، نظریه خطر به‌عنوان مبنای مسئولیت‌های محض و بدون تقصیر، راه خود را به این رشته از حقوق مسئولیت مدنی باز کرده و مورد اقبال قانون‌گذاران داخلی قرار گرفته است^(۴). نتیجه طبیعی این تحلیل در حقوق بین‌الملل خصوصی، تقدم ضرر و محیط خطرناک نشئت‌گرفته از فعل زیان‌بار بر عاملان‌عاملان زیان و تقصیر آنها در گزینش عوامل ارتباط است. نتیجه‌ای که واضعان روم دو را بر آن داشت که مانند اقسام دیگر شبه‌جرم، توجه خود را از تقصیر عاملان‌عاملان زیان و محل ارتکاب آن، به نتایج زیان‌بار آن و محیطی معطوف کنند که خطر ایجادشده بر اثر فعل مرتکب در آنجا به وجود آمده، و قانون محل زیان را به‌عنوان قانون صلاحیت‌دار بپذیرند. باین حال اصول طرح‌شده دیگر در این رشته از حقوق به شرحی که در ادامه خواهد گذشت، وضع استثنایی را در وضعیتی اجتناب‌ناپذیر می‌کند که حسب تشخیص خود زیان دیده، قانون محل وقوع فعل زیان‌بار، به‌گونه‌ای بهتر منافع او را تأمین می‌کند (Hesselink, 2008, p. 38).

اما نکته مهم در این میان، تعیین محل یا محل‌های زیان است. «ضرر» در ماده هفت، معانی فراگیری دارد و بر خسارات وارد بر محیط زیست و نیز صدمات وارد بر مالکیت یا تمامیت جسمانی اشخاص در پی این خسارات مشتمل است. دوگانگی یادشده این پرسش را تداعی کننده می‌ند که در صورت وقوع زیان‌های زیست‌محیطی در یک کشور و خسارات مالی آن در کشور دیگر، قانون کدام‌یک از این دو کشور در حکم محل زیان بر دعوا حاکمیت می‌یابد؟ آیا قانون حاکم بر هر یک از این خسارات، مستقل و تابع قانون محل وقوع خود آنهاست؟ یا در اینجا نیز زیان دیده در انتخاب و گزینش قانون مفیدتر به حال خویش مخیر است؟ یا اینکه قانون محل وقوع خسارات وارده بر محیط زیست اصالت بیشتری دارد و صدمات مالی یا جانی بعد از آن، معلول و در پی علت خویش، تابع قانون واحدی خواهد بود؟ حمایت از زیان دیدگان و اصل جبران کامل خسارات به وسیله عامل زیان، مقتضی پذیرش نظری است که به مانند امکان پیش‌بینی شده در متن ماده، متضمن آزادی عمل و وسعت اختیار زیان دیده در طرح اختلاف و اقامه دعوی خویش بر مبنای هر یک از این قوانین به دلخواه خود باشد. در صورت قبول این استدلال، خواهان می‌تواند علاوه بر قانون محل وقوع فعل زیان‌بار، از میان قوانین محل وقوع زیان بر جسم یا مالکیت خویش و همچنین محل حدوث تغییرات نامطلوب در منابع طبیعی انتخاب کند و مناسب‌ترین آنها را برگزیند.

ایراد این تحلیل، ایجاد گستره‌ای از قوانین اعمال‌شدنی پیش روی خواهان، به‌ویژه در فرضی است که تغییرات ناشئ‌گرفته از آلودگی‌های آب و هوا به علل دیگری از جمله وزش باد یا جریان آب، در منطقه وسیعی میان چند کشور منتشر می‌شود. در این حالت، هر یک از این کشورها با اعمال ملاک مندرج در خود مقررات، به علت متأثر شدن از این تغییرات آب‌وهوایی، به‌عنوان محل ضرر تشخیص‌پذیر است و در نتیجه، قبول اختیار برای خواهان به معنای یادشده در استدلال پیشین، مستلزم حاکمیت قوانینی است که در بسیاری از مواقع کوچک‌ترین ارتباط و نزدیکی با خسارات وارد بر تمامیت جسمانی یا مالکیت خواهان ندارد. افراط در اصولگرایی در اینجا، نتیجه‌ای جز انحراف و سقوط از لبه دیگر بام تعادل ندارد. بنابراین، اتخاذ رویکرد توزیعی و میانه‌روی در تحلیل‌های حقوقی، متضمن حاکمیت قانون محل هر ضرر، در خصوص همان ضرر، در کنار به رسمیت شناختن اختیار زیان‌دیده در جایگزینی هر یک از این دو یا چند قانون، به نفع قانون محل وقوع فعل زیان‌بار است.

۱-۲. مبانی قاعده حل تعارض

بند دوم ماده یکصد و هفتاد و چهار معاهده اروپا، رسماً و به صراحت، سیاست‌های کلی نهادهای قانون گذاری را در خصوص محیط زیست بیان کرده است. پیشگیری از وقوع خسارات و ترمیم زیان‌های وارده، در کنار تحمیل هزینه‌ها به عاملان زیان و در نهایت حمایت از زیان دیدگان و محیط زیست، اصولی است که هنگام تنظیم ماده هفت به تبعیت از ماده یکصد و هفتاد و چهار معاهده، در فراروی قانون گذاران اروپایی قرار داشته و عیناً در بند بیست و پنج دیباچه مقررات نیز تکرار شده است. به همین دلیل، پیچیدگی‌ها در این دسته ارتباط کمتر و مباحث گسترده و دامنه دار طرح شده در دسته‌های ارتباط دیگر همانند مسئولیت نشئت گرفته از تولید یا نقض مالکیت‌های معنوی در اینجا به چشم نمی‌خورد.

مقررات روم دو در صدد یافتن قانون حاکم بر الزامات خارج از قرارداد است و بدیهی است مبانی و سیاست‌هایی که در حقوق مسئولیت مدنی، در قالب شاخه‌ای از حقوق خصوصی طرح می‌شود، قطعاً در جهت‌گیری‌های انجام شده در حل تعارضات مؤثر بوده و باعث شده که برخی راه حل‌ها در مقررات روم دو پذیرفته و برخی دیگر کنار نهاده شود. برای مثال اگر «پیشگیری از وقوع زیان» در خسارات زیست محیطی، یک مبنا به حساب آید، در یافتن قانون حاکم بر دعاوی جبران این خسارات نیز در محیط بین الملل خصوصی، نمی‌توان این مبنا را نادیده انگاشت، بلکه می‌بایست به دنبال وضع قاعده‌ای بود که هر آنچه را که در حقوق ماهوی رشته کرده‌ایم به یک‌باره پنبه نکند و به بهترین صورت در خدمت اهداف پیشگیرانه قرار گیرد.

بر این اساس، «حمایت حداکثری از محیط زیست و زیان دیدگان»^۵ در کنار «اصل پیشگیری»^۶ و «اصل تحمیل هزینه‌ها به آلوده کنندگان محیط زیست»^۷ را می‌بایست اصول سه‌گانه‌ای دانست که به‌عنوان مبانی وضع ماده هفت به آنها توجه می‌شود و ارتباط معناداری با هم دارند. ما دو مبنا اول را در قالب «مبنای حقوقی» و مبنای سوم را در قالب «مبنای اقتصادی» تعیین قانون بررسی خواهیم کرد.

5. High Level of Protection

6. The Precautionary Principle

7. The Polluter Pays Principle

۱-۲-۱. مبنای حقوقی

۱-۲-۱-۱. اصل حمایت از محیط زیست و زیان دیدگان زیست محیطی

به طور سنتی در الزامات برخاسته از تخریب محیط زیست، قاعده «حاکمیت قانون محل وقوع فعل زیان بار»، در معنای عام خود، در بیشتر قریب به اتفاق کشورهای حاکم بوده است که در این دسته قاعده وضع پرداخت ها کرده اند. در مواقعی که تخریب محیط زیست و فعل مخرب و آثار مستقیم آن همگی در یک کشور بروز می کند، اعمال این قاعده با دشواری خاصی مواجه نیست. اما به محض ظهور آثار زیان بار فعل خوانده در خارج از مرزها، اختلافات نیز درباره نحوه اعمال این قاعده شروع می شود^(۵) (Graziano, 2007, pp.72-74).

آنچه در اینجا مورد نظر ماست، توجه به این معناست که اعمال این قاعده در حقوق اتحادیه اروپا و به صورت مشخص در ماده هفت مقررات روم دو چهره ویژه ای به خود گرفته است که می بایست علت یا حداقل یکی از علل و مبنای آن را در «اصل حمایت» جست و جو کرد. توضیح آنکه در «خسارات زیست محیطی»، محل وقوع فعل زیان بار، در مقایسه با آنچه سابقاً در بند یک ماده چهار و قاعده کلی حل تعارض اعلام شد، دچار تغییر مفهومی شده است و تعیین این مکان از اصول متفاوتی پیروی می کند. در این دسته، قاعده جدیدی تحت عنوان «قاعده حضور همزمان»^۶ طرح شده است که برای نخستین بار توسط دیوان دادگستری اروپا و هنگام تفسیر این دیوان از بند سه ماده پنج کنوانسیون بروکسل در دعوای معروف و جنجالی V Bier potasse de Mines به حقوق اتحادیه اروپا راه یافت^(۶). به موجب این قاعده که متضمن تصویری کاملاً مغایر با تصور یادشده در بند یک ماده چهار مقررات روم دو است، در شبه جرم های فراسرزمینی به هر دو مکان وقوع فعل مادی و حدوث ضرر، به عنوان مکان وقوع فعل زیان بار نگریسته می شود. زمانی که شخصی در کشور «الف» عمل زیانباری را انجام می دهد که در کشور «ب» به محیط زیست آسیب می زند، کشور «الف» محل ارتکاب اولیه و کشور «ب» مکانی محسوب می شود که این عمل همچنان و به صورت مستمر در آنجا تداوم یافته و باعث زیان هایی شده است و به عنوان مکان های وقوع فعل زیان بار پذیرفته شده است. به عبارت دیگر، به موجب این قاعده، فعل مرتکب، فعل مستمری است که با استمرار خود در کشور «ب» گویی در آنجا به وقوع پیوسته و از منشأ خود جدا نشده است. بنابراین تحلیل، هر دو کشور «الف» و «ب»، محل وقوع فعل زیان بار تعیین می شود و فعل زیان بار در هر دو حضوری همزمان دارد و انتخاب هر کدام از آنها به عنوان محل وقوع فعل زیان بار با اشکالی مواجه نیست.

بر این اساس، می‌توان راه‌حل‌های پیش‌بینی‌شده در ماده هفت را بر اساس قاعده سنتی «محل وقوع فعل زیان‌بار» توجیه کرد اما این بار با مفهومی متفاوت از محل وقوع فعل زیان‌بار و اراده معنایی عام از آن که شامل هر دو مکان می‌شود. اما اینکه چرا در مقررات روم دو، این دگرگونی انجام شده و برخلاف روش معهود در قاعده کلی حل تعارضات (بند یک ماده چهار)، در این دسته ارتباط، معنایی متفاوت از محل وقوع فعل زیان‌بار استنباط شده، پرسشی است که می‌بایست پاسخ آن را در مبنای بحث ما، یعنی «حمایت از محیط زیست» جست‌وجو کرد.

حمایت از محیط زیست و ترجیح منافع زیان‌دیدگان بر عاملان زیان و یافتن قانونی که به کامل‌ترین صورت، خسارات زیست‌محیطی را جبران کند، عاملی است که قانون‌گذاران اروپایی نیز در مقام حل تعارض، به جای تعیین جرمی قانونی صلاحیت‌دار، طیفی از قوانین اعمال‌شدنی را ترسیم کرده‌اند و به زیان‌دیده اجازه می‌دهند با در نظر گرفتن محتوای هر یک از این قوانین، قانونی را برگزینند که آن را برای خود مفیدتر می‌دانند؛ همانطور که قبل از آن نیز در قوانین داخلی کشورهایی همانند آلمان و ایتالیا، چنین اختیاری برای زیان‌دیدگان زیست‌محیطی پیش‌بینی شده بود (Symeonides, 2008, p.38).

با وجود این، باید اذعان کرد این حمایت، حمایتی ناقص است. محدود کردن قوانینی که از جانب زیان‌دیده امکان انتخاب دارند، به قوانین محل زیان و محل وقوع فعل مادی زیان‌بار و محروم کردن مدعی از امکان توسل به قوانین دیگر، مثلاً قانون محل اقامت خود زیان‌دیده، باعث خواهد شد زیان‌دیدگان زیست‌محیطی از حمایت‌های حداکثری محروم شوند؛ چراکه ممکن است قانون اخیر به حال زیان‌دیده، مفیدتر از قوانین دیگر باشد. نقیصه‌ای که شاید بتوان آن را به اصرار قانون‌گذاران اروپایی به پایبندی به قاعده سنتی محل وقوع فعل زیان‌بار در معنای عام خود و عدم انحراف از آن توجیه کرد. به هر شکل، این ماده را می‌بایست از معدود مواردی دانست که عدالت تعارضی جای خود را به عدالت ماهوی داده و محتوای قوانین متعارض نیز در حاکمیت یافتن آنها مؤثر است. هرچند این جایگزینی در شکل کامل خود اتفاق نیفتاده و همچنان چارچوب‌های قاعده محور بر آن حاکم است.

۱-۲-۱. اصل پیشگیری از خسارات زیست‌محیطی

اعمال منحصر و تنهای قانون محل زیان در قالب قاعده‌ای که با عنوان «قاعده کلی حل تعارض» در بند یک ماده چهار مقررات روم دو، پیش‌بینی شده است، در خصوص خسارات تخریب محیط زیست نیز متضمن نتایج مثبتی است. نتایجی که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱) تطابق با انتظارات مشروع زیان دیده: فردی که بر اثر استفاده از آب آلوده یک رودخانه، به بیماری‌های عفونی و گوارشی مبتلا می‌شود، بیش از هر قانون دیگر انتظار دارد دعوای او علیه آلوده‌کنندگان این آب، حتی اگر کارخانه‌ای در خارج از آن کشور باشد، به‌موجب قانون محل اقامت خود او حل و فصل شود. برای او اهمیت چندانی ندارد که منشأ این آلودگی کجاست. آنچه مهم است این است که او بر اثر استفاده از این آب آلوده در محل اقامت خود، بیمار و متحمل هزینه‌هایی شده است و حال نیز انتظار دارد وضعیت او به وضعیت سابقش در همان مکان بازگردد.

۲) عدم تبعیض میان زیان دیدگانی که در یک کشور متحمل زیان می‌شوند: اعمال هر قانونی جز قانون محل زیان، در خسارات زیست محیطی باعث می‌شود میان مدعیانی تبعیض ایجاد شود که همگی در یک کشور و برای مثال در مسیر یک رودخانه و به علت مشابهی همانند استفاده از آب آن رودخانه، دچار خساراتی شده‌اند. به عبارت دیگر، اعمال هر قانونی جز قانون محل زیان باعث می‌شود برحسب منشأ زیان، قوانین متعددی در دعوای کاملاً مشابه و متحدالمنشأ حاکم شود. مثلاً اگر رودخانه‌ای در مسیر خود از چند کشور عبور کند و در طول این مسیر نیز در هر یک از این کشورها، شرکت‌ها یا کارخانه‌های متعددی، مواد آلاینده و فاضلاب‌های صنعتی خود را در آن تخلیه کند و در نهایت مسیر رودخانه به کشوری ختم شود که در آنجا افرادی با استفاده از آب آلوده، دچار بیماری‌های گوناگون پوستی یا گوارشی شوند، اعمال قانون محل زیان باعث می‌شود قانون واحدی بر تمامی این دعوای حاکم شود و در نتیجه مساوات میان زیان دیدگانی ایجاد می‌شود که همگی به علت مشابهی دچار آسیب شده‌اند؛ در حالی که اعمال قانون محل وقوع فعل زیان بار در یک یا چند دعوا میان این دعوای و شناختن حق انتخاب برای زیان دیده باعث می‌شود قوانین متعددی به‌صورت بالقوه امکان اجرا یابد و در نتیجه بر دعوای مشابه، قوانین متفرقه‌ای حاکم شود و حقوق برخاسته از آن نیز به تبع تغییر باید (Graziano, 2007, pp. 74-76).

اما عاملی که باعث چشم پوشی از این مزایا و پیش‌بینی یک قاعده اختیاری در ماده هفت شد، علاوه بر حمایت از زیان دیده و ایجاد فرصت انتخاب برای او (به شرح مندرج در بند یک همین گفتار) اشکال عمده‌ای بود که صلاحیت منحصر قانون محل زیان در پی داشت. اعمال قانون محل زیان، تنها قانون صلاحیت‌دار در مسئولیت‌های برخاسته از تخریب محیط‌زیست است که در عمل باعث می‌شود که شرکت‌ها و مؤسسات صنعتی و کارخانجات فرصت طلب، دست به مقایسه بزنند و در صورتی که قانون داخلی کشور محل فعالیت خود را در مقایسه با

قوانین داخلی کشورهای مجاور، به لحاظ نوع و میزان مسئولیت سنگین تر یافتند، از طریق استقرار سامانه‌ها و تمرکز فعالیت‌ها فعالیت‌های خویش در مجاورت مرزهای این کشور به‌گونه‌ای عمل کنند که آثار مخرب فعالیت‌ها فعالیت‌های آنها در کشور همسایه بروز کند و در نتیجه با حاکمیت یافتن قانون آن کشور به عنوان قانون محل زیان، خسارات کمتری پرداخت کنند یا از تسهیلات قانونی ویژه‌ای برخوردار شوند که در قوانین ملی خود از آن بی‌بهره‌اند. در حالی که با اعمال قاعده اختیاری پیش‌بینی‌شده در ماده هفت، دست این افراد فرصت طلب کوتاه می‌شود و این اشخاص اطمینانی از اعمال حتمی قانون محل زیان نخواهند داشت و همین امر نیز باعث می‌شود که الگوهای رفتاری و استانداردهای ضروری که به موجب قوانین هر دو کشور (کشورهای محل زیان و محل وقوع فعل مادی زیان‌بار) وضع شده است، از طرف این افراد رعایت و در نتیجه گام مؤثری برای پیشگیری از بروز خسارات در آینده برداشته شود. در واقع پیشگیری از تخریب محیط‌زیست هدف والایی است که بر فواید برگرفته از اعمال منحصر قانون محل زیان‌تفوق دارد. و به همین دلیل نیز ماده ۷ روم دو، با مهندسی رفتار صنعتگران، آنها را به سمت دستیابی به این هدف سوق می‌دهد^(۷); (Symeonides, 2008, p.39). (Graziano, 2007, p.73)

۱-۲-۲. مبنای اقتصادی (تحمیل هزینه‌ها به عامل زیان)

آلوده‌کنندگان محیط‌زیست و زیان‌دیدگان زیست‌محیطی، دو طرف یک دعوا هستند که تقویت موضع یکی از آنها به طور طبیعی به تضعیف دیگری می‌انجامد. بنابراین اصل «تحمیل هزینه‌ها به آلوده‌کننده»^۹ را باید نتیجه منطقی اصل ترجیح زیان‌دیدگان در دعاوی بین‌المللی محیط‌زیست دانست. به موجب این اصل، آلوده‌کنندگان محیط‌زیست موظف هستند خسارات وارده را فوری و کامل ترمیم کنند و منابع آسیب‌دیده را به بهترین صورت ممکن اصلاح کنند و در این مسیر کمترین مسامحه و تقلیل خسارتی جایز نیست و همواره در انتخاب میان چند تحلیل، تحلیلی مقدم است که غرامت بیشتری بر عامل زیان تحمیل کند. وضعیت اقتصادی عامل زیان یا شدت و ضعف تقصیرش، حتی در نظامات مبتنی بر تقصیر کوچک‌ترین اهمیتی ندارد و رویکرد کلی با توجه به این اصل، مؤاخذه آلوده‌کنندگان محیط‌زیست به شدیدترین صورت ممکن است و شاید به همین دلیل در حقوق داخلی بیشتر کشورهای اروپایی شاهد

حرکت به سمت مسئولیت‌های محض و بدون تقصیر درباره خسارات وارد بر محیط زیست هستیم^(۸) (Boom, 2007).

به‌هرروی آثار این اصل را در قاعده مندرج در ماده هفت در سه مورد خلاصه می‌کنیم:

(۱) اعمال هر یک از قوانین یادشده در ماده هفت (قانون محل وقوع فعل زیان بار- قانون محل زیان) مقید به قابلیت پیش بینی نوعی یا شخصی آن برای عامل زیان نیست؛ بنابراین اگر شخصی، دست به اقدامی در کشور الف بزند، اما بر اثر موقعیت پیش‌بینی نشده‌ای، همانند ورزش باد، آثار فعل او در کشور همسایه یعنی کشور ب ظاهر شود، این شرایط پیش‌بینی نشده و خارج از کنترل خوانده، تأثیری در حاکمیت یافتن قانون کشور ب نخواهد داشت و هیچ ایرادی در این زمینه مسموع نخواهد بود.

(۲) در صورتی که خسارات وارده بر محیط‌زیست نشئت گرفته از افعال خواندگان متعددی باشد که در کشورهای مختلف فعالیت می‌کنند، زیان دیده می‌تواند در خصوص هر یک از آنها، هرچند در دعوایی واحد، قانون مجزایی را برگزیند که به نحو مطلوب تری خسارت را جبران می‌کند و مسئولیت عامل آن را دامن می‌زند. تبعیض در قوانین منتخب و برگزیده توسط زیان دیده و مسئولیت تضامنی عامل زیان با اصل یادشده موافق و سازگار است؛ هرچند در منافات با اصل دادرسی آسان و ساده قلمداد می‌شود.

(۳) اعمال اختیار مندرج در ماده هفت باعث تبعیض ناعادلانه میان صنعت‌گرانی می‌شود که همگی در کشور واحدی فعالیت می‌کنند و صنعت مشابهی نیز انجام می‌دهند، اما آثار عملکرد بعضی از آنها در داخل و آثار عملکرد برخی دیگر از آنها به صورت اتفاقی در خارج ظاهر شده است. گروه نخست مأخوذ به قانون واحدی است، در حالی که گروه دوم به‌رغم اینکه در محل فعالیت و نوع آن با گروه نخست مشترک است، مکلف به رعایت دو قانون مختلف می‌شود. قانون دومی که چه بسا عامل زیان، توجهی نیز به درصد پایین اعمال آن در آینده نداشته و به همین دلیل نیز تلاشی برای رعایت آن نکرده است؛ ولی هم‌اکنون رفتار او با آن سنجیده می‌شود. علاوه بر این حتی در صورت امکان پیش‌بینی آن نیز، رعایت دو قانون در مقایسه با رقبایی که همواره خود را مأخوذ به قانون واحدی (قانون داخلی خود) می‌دانند، پرهزینه‌تر و به لحاظ اقتصادی باعث افزایش قیمت‌های تمام‌شده است. اصل یادشده (تحمیل هزینه‌ها به عامل زیان) مستمسکی است که از کنار این تبعیض ناروا نیز به‌سادگی عبور کنیم و آن را به بهانه حمایت حداکثری از محیط‌زیست در دعاوی بین‌المللی محیط‌زیست توجیه کنیم.

۲. تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی نشئت گرفته از خسارات زیست محیطی در نظام حقوقی ایران (در مقایسه با مقررات روم دو)

قانون مدنی ایران که همانند قوانین برخی کشورهای دیگر، مقررات مربوط به حقوق بین الملل خصوصی را در خود جای داده است، نه در مقدمه و نه در کتاب کلیات جلد دوم خود، هیچ قاعده صریح یا ضمنی در خصوص نحوه تعیین قانون حاکم بر الزامات خارج از قرارداد وضع نکرده است و در کمال تعجب، به رغم وضع قاعده در دسته های دیگر ارتباط همچون «اسناد»، «اموال»، «احوال شخصیه» یا «قراردادها»، در «مسئولیت های خارج از قرارداد» موضوع را به سکوت برگزار کرده است. نقصانی که خلأ نشئت گرفته از آن، امروزه با گسترش اقسام مسئولیت مدنی و تنوع و تکثر فوق العاده الزامات قهری و همچنین گسترش روابط بین المللی اتباع ایرانی با دیگران به شدت و بسیار بیشتر از گذشته احساس می شود. ایجاد دنیایی مجازی در کنار دنیایی حقیقی، گسترش وسایل ارتباط جمعی و رشد تکنولوژی و افزایش مبادلات تجاری باعث شده است که در حال حاضر، چهره های نوینی از مسئولیت مدنی مانند مسئولیت های برخاسته از نقض مالکیت های معنوی، تخریب محیط زیست، تجارت غیرمنصفانه یا ایجاد محدودیت در رقابت و... خلق شود؛ به گونه ای که اجتماع تمام این اقسام مسئولیت زیر چتر قاعده ای واحد از قواعد حل تعارض، عملاً ناممکن است و امروزه به جای «قاعده حل تعارض در مسئولیت مدنی» از «قواعد حل تعارض در مسئولیت مدنی» یاد می شود.

در دکترین حقوقی هم هر چند برخی (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۲۲۲)؛ (شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۵)؛ (نصیری، ۱۳۷۱، ص ۱۲۵) از حاکمیت قانون مقر دادگاه در مسئولیت های غیر قراردادی به طور صریح یا ضمنی دفاع می کنند، بیشتر نویسندگان (سلجوقی، ۱۳۸۶، ص ۳۶۳؛ الماسی، ۱۳۸۷، ص ۳؛ ارفع نیا، ۱۳۷۶، ص ۸۴)، بدون ذکر مبنا و تحلیل حقوقی، قانون محل وقوع شبه جرم را قانون صلاحیت دار معرفی می کنند.

بنابراین، پیچیدگی ها در حقوق ایران در مقایسه با حقوق اتحادیه دوجندان است. در اینجا نه تنها مبانی قاعده، بلکه حتی خود قاعده کلی حل تعارض نیز در الزامات خارج از قرارداد مغفول مانده و مبانی حقوقی بحث هنوز ناشناخته است.

۲-۱. تبیین قاعده کلی حل تعارض

به پیروی از بیشتر نویسندگان حقوقی می توان گفت «حاکمیت قانون محل وقوع فعل زیان بار در معنای عام خود» در قالب قاعده کلی حل تعارض در حقوق ایران، به شمار می رود. پذیرش

نظریه تقصیر به عنوان مبنای اصلی مسئولیت مدنی در حقوق ماهوی و همچنین «اصل ضرورت پیش‌بینی‌شدنی بودن خسارات»، مبنای حقوقی و دوگانه‌ای است که می‌توان آنها را برای توجیه این قاعده پیشنهاد کرد. پذیرش نظریه تقصیر به مثابه مبنای اصلی مسئولیت مدنی در حقوق ایران مستلزم آن است که در خصوص آن دسته از دعاوی مسئولیت مدنی که دربردارنده یک یا چند عنصر خارجی است نیز در میان عوامل مختلف ارتباط، مکانی که در آن «تقصیر» خوانده به وقوع پیوسته و فعل زیان‌بار در آنجا واقع شده است، بر عوامل دیگر ارتباط مقدم باشد. همچنین اگر در حقوق ماهوی ایران «ضرورت قابلیت پیش‌بینی ضرر» در نوع و ماهیت آن یک شرط تحقق مسئولیت عامل زیان باشد (غمامی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۴ و یزدانیان، ۱۳۸۶، صص ۲۷۲-۳۱۰)، هیچ دلیلی بر انحصار این شرط در حقوق ماهوی و جریان نداشتن شرط یادشده در قلمرو تعارض قوانین وجود ندارد؛ چراکه به‌هیچ‌وجه نمی‌توان در حقوق ماهوی عامل‌زیانی را به دلیل اینکه نوعاً قادر نیست نوع و ماهیت خسارت وارده را پیش‌بینی کند، از ضمان معاف دانست. اما در یک محیط وسیع و ناشناخته‌تر یعنی در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی، ضمانی را به او تحمیل کرد که به دلیل پیش‌بینی‌شدنی نبودن قانون سبب، از ابتدا برای او پیش‌بینی‌شدنی نبوده است و بدیهی است در مقایسه با قانون مقر دادگاه یا قانون محل اقامت زیان دیده و به صورت کلی در مقایسه با هر قانون دیگری که بر یک عامل شخصی ارتباط استوار است، قانون محل وقوع فعل زیان‌بار (البته در معنای عام) به نحو بهتری می‌تواند تأمین‌کننده این ضرورت باشد؛ چرا که این قانون بر عاملی عینی و تغییرناپذیر یعنی محل وقوع حادثه استوار است و با تغییر مکان دادگاه رسیدگی‌کننده یا محل اقامت خوانده تغییر نمی‌کند (Ena, 2006, p.1424; De Boer, 2009, p.324).

۲-۲. تبیین قاعده حل تعارض خاص خسارات زیست‌محیطی

از آنجا که حقوق مسئولیت مدنی امروزه تنوع فوق‌العاده‌ای یافته و به رشته‌ای تبدیل شده که درون خود ده‌ها زیرشاخه پیدا کرده است، بنابراین نمی‌توان حاکمیت قانون محل وقوع فعل زیان‌بار را برای همه این دسته‌های خرد ارتباط تجویز کرد.

بر این اساس، در خصوص نحوه تعیین قانون حاکم بر خسارات زیست‌محیطی در حقوق ایران، سه رویکرد وجود دارد: الف) رویکرد نخست بر تحلیلی جزئی و قاعده‌محوری صرف مبتنی است. بر اساس این رویکرد در حقوق ماهوی محیط‌زیست، نظریه تقصیر به عنوان مبنای کلی مسئولیت مدنی در حقوق ایران، جای خود را به نظریه خطر و مسئولیت‌های عینی سپرده است. اسناد بین‌المللی مختلفی که ایران تاکنون به آن پیوسته است و جزئی از حقوق داخلی ما

محسوب می‌شود، به خوبی مؤید این جایگزینی است^(۹). بنابراین در حقوق بین‌الملل خصوصی نیز به‌عنوان آیین تمام‌نمای حقوق داخلی می‌بایست آثار این تغییر مبنا را انعکاس داد و در تعیین عامل ارتباط بازنگری کرد. در اینجاست که انحراف از قاعده کلی حل تعارض معنا می‌یابد و محل وقوع فعل زیان بار (محل وقوع تقصیر) جای خود را به محل وقوع زیان (محل وقوع خطر) می‌دهد و در خسارات وارد بر محیط‌زیست، قانون حاکم در محل ضرر به‌عنوان قانون صلاحیت‌دار تعیین می‌شود. در این تحلیل نتایج حاصل از اعمال این قانون کمترین اهمیتی ندارد و تناسب آن با اهداف و سیاست‌های حقوقی یا اقتصادی موردنظر در حقوق ماهوی شرط اعمال قانون نیست و نتیجه‌محوری در آن رنگ می‌بازد و نگاه قاعده‌محور و سنتی در عرصه تعارض قوانین غلبه می‌یابد. این تحلیل به لحاظ روش‌شناسی با رویکرد قانون‌گذار ما در دیگر دسته‌های ارتباط کاملاً منطبق است و حل‌وفصل سریع و آسان تنازعات از محاسن آن به شمار می‌رود. ب- رویکرد دوم از مبانی یادشده در مقررات روم دو الهام گرفته شده است که به طور مفصل در توضیح ماده ۷ این مقررات بیان شد و بر مبنای آن می‌توان به دادگاه اجازه داد که از میان قوانین محل وقوع فعل زیان بار یا محل وقوع زیان، قانونی را برگزیند که به نحو مطلوب تری در خدمت منافع شخصی زیان‌دیده و منافع عمومی مردم و جامعه است. به عبارت دیگر «صیانت از محیط‌زیست»، «پیشگیری از وقایع زیان‌بار زیست‌محیطی» و «جبران کامل خسارات زیست‌محیطی و مؤاخذه مرتکب به شدیدترین صورت» از جمله سیاست‌های ماهوی و پذیرفته‌شده‌ای است که در حقوق ما نیز به‌ویژه با توجه به پیوستن ایران به کنوانسیون‌های متعدد مربوط به حمایت از محیط‌زیست قابل دفاع است و به همین دلیل نیز می‌بایست به دادگاه‌ها اجازه داد مثلاً در خسارات ناشت گرفته از گسترش گردوغبار بیابان‌های کشورهای مجاور در خاک ایران، از میان قوانین ایران (محل وقوع زیان) یا عراق (محل وقوع عامل زیان بار)، مناسب‌ترین قانون، اما این بار به نفع زیان‌دیده و به ضرر عاملان زیان را انتخاب کنند. حُسن این روش آن است که برای دادگاه آزادی عمل معقول و محدودی را شناسایی می‌کند و قانونی را از پیش به او تحمیل نمی‌کند، بلکه طیفی از قوانین اعمال‌شدنی را پیش روی دادگاه قرار می‌دهد تا با توجه به مبانی یادشده بهترین آن را برگزیند. تحولی که امروزه از آن به‌عنوان «جایگزینی در قواعد حل تعارض» یاد می‌شود و حقوق اتحادیه اروپا را می‌بایست در مقررات روم دو طلیعه‌دار آن دانست و از آن به‌عنوان قاعده‌گرایی هدفمند و ابزار گرایانه نام برد. ج- رویکرد سوم از تحولات نیم قرن اخیر در حقوق امریکا منبعث است. در این رویکرد قواعد حل تعارض به یک‌باره رها می‌شود و قاعده‌محوری در هر دو شکل صرف و هدفمند آن از

میان می‌رود و نتیجه‌گرایی محض حاکم می‌شود و در توجیه آن از «رسیدن به عدالت ماهوی به جای عدالت تعارضی» به‌سان مبنای تمام این تحولات یاد می‌شود.

دیدگاه سنتی حقوق بین‌الملل، درباره مفهوم عدالت را می‌توان به زمان ساوینی بازگرداند. منشأ این دیدگاه این فرضیه اساسی است که هدف حقوق بین‌الملل خصوصی در منازعات حقوقی که مربوط به چند کشور است، آن است که دعوا طبق قانون کشوری حل و فصل شود که «بیشترین تناسب» را با آن دارد. تعریف و تبیین «تناسب» و معیارهای چنین ارتباطی در نظام های حقوقی مختلف و طی زمان و از موضوعی به موضوع دیگر فرق کرده است اما به‌رغم تمام این تفاوت‌ها، همه دیدگاه‌های طرح‌شده ذیل مکتب کلاسیک در یک نکته مشترک‌اند و آن هم ضرورت انتخاب «کشور مناسب» برای اعمال قانون داخلی آن بر موضوع مورد اختلاف است. در حقیقت در این رویکرد به جای جست‌وجو و انتخاب «قانون مناسب» یا «نتیجه مناسب» باید به دنبال انتخاب «کشور مناسب» باشیم. هرچند از نظر طرفداران این مکتب، فرض بر آن است که در بیشتر موارد، قانون «کشور مناسب»، «قانون انسب» نیز است؛ اما این فرضی است تعبدی که اولاً خلاف آن اثبات‌پذیر نیست و ثانیاً در زمینه شناخت تناسب و نزدیکی دعوا با قانون یک کشور، اساساً به قانون آن کشور، مدرن یا بدوی بودن آن و راهکارهایی که در آن پیش‌بینی شده است، به هیچ‌وجه توجه نمی‌شود و «تناسب» صرفاً با معیارهای جغرافیایی و در محیط‌های فیزیکی و در فضای خارج تعریف می‌شود. برای مثال در تعیین قانون حاکم بر اموال، صرفاً محل وقوع آن ملاک عمل قرار می‌گیرد و در این مسیر، محتوای آن قانون و نتایج اجرای آن، کمترین اهمیتی ندارد. در این دیدگاه، تمامی قواعد حل تعارض بر عوامل ارتباط مکانی استوار است. مکان‌هایی که به دلیلی از نظر قانون‌گذاران داخلی بیشترین پیوند با دعوا را داراست. همین‌که پیوندهای جغرافیایی موردنظر حاصل شود، کشور مزبور انتخاب می‌شود و با انتخاب آن کشور است که قانونش صلاحیت می‌یابد. اینکه راه‌حل ارائه‌شده به موجب قانون آن کشور خوب است یا بد، امر علی‌حده‌ای است که اساساً ارتباطی با حقوق بین‌الملل خصوصی ندارد و ما کار چندانی در این زمینه نمی‌توانیم انجام دهیم. همچنین هر کشوری بر اساس ارزش‌های اخلاقی و سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی موردنظر خویش، همواره تلاش می‌کند مقرراتی تصویب کند که از نظر او به بهترین شیوه، تأمین‌کننده سیاست‌های مذکور است و به عدالت اقتصادی و اجتماعی موردنظر او نزدیک تر است. این لازمه ذاتی حاکمیت کشورها و دلیل اصلی تفاوت مقررات ماهوی از کشوری به کشور دیگر است. بر این اساس هیچ‌گاه نمی‌توان از میان چند قانون ماهوی که به صورت بالقوه می‌تواند بر دعوی

حاکم شود، عادلانه‌ترین آنها را برگزید. هر یک از آنها در قلمرو نفوذ خود عادلانه تلقی می‌شود. از طرف دیگر اقتضای حل تعارض، ترجیح یک قانون بر دیگری است. از این رو به ناچار می‌بایست محتوای قوانین متعارض را نادیده انگاشت و به دنبال معیارهایی بود که عدالت را در بستری متفاوت تعریف می‌کند (Juenger, 2005, pp.49-145).

به عبارت دیگر زمینه بحث و کنکاش در دیدگاه کلاسیک از میان قواعد حل تعارض فراتر نمی‌رود و بر اساس آن منظور از قاعده حل تعارض عادلانه، قاعده‌ای است که از بیشترین تناسب و نزدیکی جغرافیایی با دعوا را دارد و متضمن معیارهای جغرافیایی قوی‌تر و نزدیک‌تری در مقایسه با قواعد دیگر حل تعارض است. برای مثال دلیل کشورهایی که در خسارت زیست محیطی، به حاکمیت قانون محل وقوع فعل زیان‌بار قائل هستند، این است که این مکان را به لحاظ جغرافیایی نزدیک‌تر با دعوا می‌دانند یا دلیل کشورهایی که به حاکمیت قانون محل وقوع زیان معتقد هستند، این است که به لحاظ مکانی، آنجا را مرکز ثقل الزام قهری بر خاسته از وقوع شبه‌جرم می‌شناسند.

در حالی که در دیدگاه مدرن، اختلافات فراملی ذاتاً با اختلافات داخلی تفاوتی ندارند. همان‌طور که در دعاوی داخلی، قضات حل و فصل منصفانه و رسیدن به نتایج عادلانه در هر دعوایی را وجه همت خود قرار داده و هیچ‌گاه نمی‌توانند خود را از ندای فطرت و وجدان عدالت‌طلب رها کنند. در داوریه‌های بین‌المللی خویش نیز نمی‌توانند به صرف دخالت یک یا چند عنصر خارجی در دعوا به نتیجه آن بی‌تفاوت شوند و به‌گونه‌ای خشک و به‌سان ماشینی بی‌روح در پی انتخاب و اعمال قانون ماهوی یک کشور از میان چند کشور برآیند که پایگاه‌های جغرافیایی دعوا به نوعی در آن واقع شده است یا به آن ارتباط دارد. هدف از دادرسی‌های انجام شده در حقوق بین‌الملل خصوصی، فصل خصومت و قطع منشأ نزاع به هر قیمت نیست، بلکه آرمان عدالت و حق‌طلبی و رسیدن به بهترین نتیجه ماهوی در این زمینه تعیین‌کننده است. به عبارت دیگر، در این دیدگاه، قواعد حل تعارض به‌خودی‌خود، هدف تلقی نمی‌شود، بلکه خود ابزاری است برای تحقق سیاست‌هایی که از نگاه قاضی رسیدگی‌کننده یا قانون‌گذار، عادلانه و به عبارت دقیق‌تر، متناسب با دعواست (Symeonides, 2008, pp.3-10; Juenger, 2005, pp.191-195).

بر این اساس، در این دیدگاه عدالت در معنایی متفاوت با دیدگاه سنتی تعریف می‌شود و در بستری متفاوت تجسم می‌یابد. دیگر، انتخاب قانونی ملاک عدالت نیست که قوی‌ترین عامل ارتباط جغرافیایی را دربردارد، بلکه می‌بایست عدالت را در نتایجی سنجید که در پایان

رسیدگی و صدور رأی حاصل می‌شود و از میان تمامی قواعد حل تعارض کشورهای که به نحوی به دعوا ارتباط دارند، قاعده‌ای را برگزید که به حمایت از محیط زیست و جبران حداکثری خسارات می‌انجامد. حرکت ذهن در اینجا معکوس و از پایان دعوا شروع و به سمت قاعده حل تعارض منتهی می‌شود. عدالت در این رویکرد مفهومی ماهوی و عاری از معیارهای شکلی یا جغرافیایی دارد و برخلاف رویکرد دوم، عوامل ارتباط تعیین کننده به دو محل وقوع فعل یا زیان منحصر نیست، بلکه هر عامل ارتباط بالقوه‌ای همانند محل اقامت زیان دیده، ممکن است تعیین کننده باشد.

فرجام

در حقوق اتحادیه اروپا، قانون محل وقوع خسارات زیست محیطی، به عنوان قانون حاکم بر جبران آنها در دعاوی بین‌المللی پذیرفته شده است. اما در کنار آن، خواهان این امکان را دارد که در شبه جرم‌های فراسرزمینی، قانون محل وقوع فعل مادی زیان بار را نیز در قالب قانون صلاحیت دار برگزیند. امکان انتخابی که ارتباط مستقیم آن با دو مبنای حقوقی، یعنی پیشگیری از وقوع خسارات آینده و جبران کامل خسارات گذشته و مبنایی اقتصادی، یعنی تحمیل حداکثری هزینه‌ها به عامل زیان به اثبات رسید. هرچند پذیرش اصل جبران کامل خسارات به مثابه مبنایی ماهوی در تعارض قوانین اقتضا می‌کند که انتخاب زیان دیده به این دو قانون محدود نشود و قانون محل اقامت او نیز دست کم در میان قواعد جایگزین راه یابد. در حقوق ایران و در میان سکوت قانون مدنی و دکتترین حقوقی سه رویکرد طرح می‌شود. رویکرد نخست بر قاعده محوری محض و نگاه سنت‌گرایانه به تعارض قوانین مبتنی است و بر اثر اجرای آن قانون محل وقوع زیان در پی پذیرش نظریه خطر در حقوق ماهوی مسئولیت مدنی حاکم می‌شود. رویکرد دوم بر قاعده‌گرایی هدفمند و کارکردی مبتنی است و بر اثر اعمال آن طیف محدود و محصور از دو یا چند قانون ماهوی به عنوان قانون محل زیان و محل فعل زیان بار پیش روی دادگاه‌ها قرار می‌گیرد. این رویکرد به لحاظ روش‌شناسی با حل تعارض در دیگر دسته‌های ارتباط در حقوق ما منطبق است و نیز به لحاظ دامنه عملکرد دادگاه‌ها مانع از خودکامگی و نتایج پیش‌بینی‌ناشدنی می‌شود و درعین حال با اهداف جبران‌گر و پیشگیرانه نیز در حقوق محیط زیست سازگار است. اما رویکرد سوم نیز تحت عنوان نتیجه‌گرایی و عدالت محوری در تعارض قوانین طرح شد که به دلیل قاعده‌گریز بودن و نتایج پیش‌بینی‌ناشدنی آن نمی‌توان آن را در حقوق ایران پذیرفت.

پانوشته‌ها

۱. برای آشنایی با بخشی از این اقدامات ر.ک به: (جلالی، ۱۳۸۸: ۸۵-۶۳).
2. Directive (EC) No 2004/35 on Environmental Liability with Regard to The Prevention and Remedying of Environmental Damage(OJL 143,56) as Amended by Directive(EC) No 2006/21(OJL 102,15) (Environmental Liability Directive). Consolidated Version Available at: [Http://www.eur-lex.europa.eu/lexuriserv/site/en/consleg/2004/l/24L35-20060501-en.pdf](http://www.eur-lex.europa.eu/lexuriserv/site/en/consleg/2004/l/24L35-20060501-en.pdf) .Accessed:2010/9/17.[
۳. ر.ک به: ماده ۷ مقررات روم دو.
۴. حمایت از زیان دیدگان و اشخاص ضعیف‌تر در مجموعه مقررات متحدالشکلی همانند CFR یا DCFR نمود یافته است که در واقع طرح جامعی از اصول بنیادین در حقوق خصوصی اروپایی است و حتی در اصول اروپایی مسئولیت مدنی نیز تأثیر زیادی در پذیرش «نظریه خطر» به عنوان یکی از مبانی مسئولیت مدنی داشته است. برای دیدن این مجموعه‌ها و تأثیر آن در مقررات ماهوی ر.ک به: (Hesselink,2008,p.38).
۵. برای دیدن قوانین کشورهای مختلف و نحوه تعیین قانون حاکم بر شبه‌جرم‌های فراسرزمینی که موجب تخریب محیط زیست می‌شود ر.ک به: (Graziano,2007,pp.72-74).
۶. بعد از این ابتکار دیوان، این قاعده در حقوق داخلی برخی از کشورها نیز راه یافت و هم‌اکنون می‌توان نمونه‌هایی از این قاعده را مشاهده کرد. مثلاً در ماده ۴۰ قانون EGBGB (مربوط به حقوق آلمان) یا ماده ۶۲ قانون بین الملل خصوصی ایتالیا به این اصل اشاره شده است.
7. Commission Proposal ,Explanatory Memorandum ,Art.7 هـ “ Applying exclusively the law of the place where the damage is sustained could give an operator an incentive to establish his facilities at the border so as to discharge toxic substance into a river and enjoy the benefit of the neighboring Country s Laxer rules” هـ
۸. برای دیدن قوانین و رویه‌های مختلف در حقوق ماهوی کشورهای اروپایی ر.ک به: (Van Boom,2007)
۹. کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی، کنوانسیون تنوع زیستی(CBD)، کنوانسیون منطقه‌ای کویت، کنوانسیون CEP در حمایت از محیط زیست دریای خزر، کنوانسیون مسئولیت مدنی ناشی از خسارات آلودگی نفتی و ... از جمله این کنوانسیون‌هاست .

منابع فارسی

ارفع نیا، بهشید (۱۳۷۶)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: انتشارات بهتاب، جلد دوم، چاپ دوم.

الماسی، نجادعلی و افاضلی مهر، مرضیه (۱۳۸۷)، "قانون حاکم بر الزامات خاص غیر قراردادی"، **نامه مفید**، ش ۶۷.

جلالی، محمود (۱۳۸۸)، «تأسیس دادگاه بین‌المللی محیط‌زیست و مشکلات آن»، **فصلنامه حقوق**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۱، صص ۸۵-۶۳.

سلجوقی، محمود (۱۳۸۶)، **حقوق بین‌الملل خصوصی**، تهران: نشر میزان، جلد دوم.

شهیدی، مهدی (۱۳۸۷)، قواعد ایرانی تعیین قانون حاکم بر قرارداد، **اندیشه های حقوقی** (مجموعه مقالات حقوقی)، تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم.

غمای، مجید (۱۳۸۳)، **قابلیت پیش‌بینی ضرر در مسئولیت مدنی**، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، **الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ دوم.

نصیری، محمد (۱۳۷۱)، **حقوق بین‌الملل خصوصی**، تهران: انتشارات آگاه، چاپ اول.

یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۶)، **قواعد عمومی مسئولیت مدنی**، تهران: نشر میزان، جلد اول.

منابع لاتین

Carbone, Sergio M & Schiano di pepe, Lorenzo (2007), **Uniform Law and Conflicts Private Enforcement of Environmental Law**, The Hamburg Lectures on Maritime Affairs. Germany: Springer Berlin Heidelberg, Vol, 22 16.

De Boer, Th.M (2009), The Purpose of Uniform Choice of Law Rules :The Rome II Regulation, **Netherlands International Law Review**, 56 (03) 295-332.

Ena, Michael (2006), Choice of Law and Predictability of Decisions in Product Liability Cases, **Fordham Urban Law Journal**, (5)34, 1417-1456.

Graziano, Thomas Kadner (2007), The Law Applicable to Cross-Border Damages to The Environmental, **Yearbook of Private International Law**, Munich: Sellier European Law Publishers & Swiss Institute of Comparative Law Vol IX.

Hesselink, Martijn.W (2008), CFR and Social Justice .Munich :Sellier .Center for the Study of European Contract Law, **Working Paper Series**, No, 8/2008.

Juenger, Friedrich K. (2005), **Choice of Law and Multistate Justice**, Leiden and Boston: Martinus NIJHOFF Publishers, Special Edition.

Symeonides, Symeon C. (2008), Result-Selectivism in Private International Law, **Romanian Journal of Private International Law & Comparative Private Law Review** 3, 1-30.

Symeonides, Symeon C.(2008), Rome II and Tort Conflicts: A Missed Opportunity .

American Journal of Comparative Law 56, 1-46.

Van Boom, Willem H & Lucks Meinhard &Christa Kissling (2007), *Tort and Regulatory Law*, Edited by the European Center of Tort and Insurance Law, New York: Springerwien.

Van Boom, Willem H, Lucks, Meinhard & Kissling, Christa (2007), *Tort and Regulatory Law*, Edited by the European Center of Tort and Insurance Law. New York: Springerwien.

